

فاجعه برنج های آلوده

م. م (آینده)

برنج یکی از انواع پر مصرف غلات در ایران به شمار می‌رود. به گفته مجید پارسانیا معاون وقت وزارت بازرگانی، مصرف سرانه برنج در ایران حدود ۴۰ کیلو گرم است و ایران چهاردهمین مصرف کننده بزرگ برنج در دنیا شناخته شده است (خبرگزاری فارس ۲۱/۱/۱۳۸۸).

بنا بر سخنان محمد علی دلاور عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی که به آمار وزارت جهاد کشاورزی استناد کرده است، سالانه ۲۲۰۰۰۰۰ تن برنج در داخل کشور تولید می‌شود که تکافوی نیاز مصرف داخلی را نمی‌کند و ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تن کسری باید از محل واردات تامین شود (روزنامه دنیای اقتصاد ۱۳۸۸/۱/۶-).

بر اساس آن چه گفته شد؛ به علت آن که تولید داخلی برنج جوابگوی نیاز مصرف نیست، باید مقداری برنج برای جبران کسری وارد شود. اما مقدار و کیفیت برنج وارداتی چقدر و چگونه بوده است؟ بنا به گفته محمد علی دلاور، نماینده حوزه درگزر در مجلس شورای اسلامی که عضو کمیسیون کشاورزی مجلس نیز هست، بر اساس آمار گمرک مقدار ۱۳۸۳۰۰۰ تن برنج سفید به صورت رسمی وارد کشور شده و علاوه بر آن از مبادی غیر قانونی نیز واردات برنج سفید صورت گرفته است (دنیای اقتصاد - ۱/۶/۱۳۸۸).

همان طور که بیان شد نیاز کشور به واردات برنج در حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تن می‌باشد. حتی اگر رقم حداکثر یعنی ۴۰۰ هزار تن را نیز ملاک عمل قرار دهیم، می‌بینیم که بیش از ۳ برابر این رقم، برنج وارد کشور شده است. جمیل علیزاده شایق رئیس انجمن برنج ایران نیز در نامه سرگشاده‌ای که به رسانه‌ها و مسولان نوشت و در آن از وضعیت اسف بار تولید و تجارت برنج سخن گفت و خواستار تجدید نظر در واردات آن شد، اشاره کرد که طی ۳ سال گذشته (یعنی سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷) و نیمه نخست سال ۱۳۸۸، ۴ میلیون تن برنج رسماً وارد کشور شده که با احتساب ۹ میلیون تن برنج تولید داخلی، بیش از ۱۳ میلیون تن برنج در سال‌های اخیر وارد بازار مصرف شده و یا در انبارها ذخیره شده است (روزنامه دنیای اقتصاد - ۱۳۸۸/۶/۱۲). در حالی که تولید برنج از گذشته‌های دور در کشور ما رایج بوده و برخی ارقام مشهور و خوش پخت و خوش خوراک در سطح نسبتاً وسیعی در شالیزارها کشت می‌شوند، عدم حمایت از تولید داخلی و گشودن درهای بازار مصرف به روی انواع برنج‌های خارجی، باعث می‌گردد که بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی، فقط در ۵ ماه نخست سال ۱۳۸۸، مقدار ۶۵۳ هزار و ۴۱۰ برنج به ارزش ۵۴۱ میلیون دلار وارد کشور شود که این میزان نسبت به

مدت مشابه سال گذشته ۵۴ درصد رشد داشته است. در همین مدت مقدار ۴۲۸/۶ تن برنج به ارزش ۴۱۲ هزار و ۷۷۵ دلار صادر شده است. یعنی واردات برنج چه از نظر حجمی و چه از نظر ارزش ریالی، بیش از ۱۰۰۰ برابر صادرات آن بوده است (روزنامه دنیای اقتصاد- ۲۳/۶/۱۳۸۸).

این پرسش مطرح است که چرا باید روال کار به این صورت باشد؟ این جریان را چه کسانی ساخته و رهبری و اداره می‌کنند؟

آقای عزیززاده شایق رئیس انجمن برنج ایران در همان نامه سرگشاده به رسانه‌ها نوشته که برنج های خارجی با قیمت هر کیلو گرم ۵۰۰ تومان وارد می‌شوند و در بازار داخلی با قیمت هر کیلو گرم ۲۰۰۰ تومان به فروش می‌رسند (البته ایشان میانگین قیمت‌ها را ذکر کرده است). وی همچنین خاطر نشان کرده که برای واردات ۴ میلیون تن برنج در ۵/۳ سال گذشته، حداقل ۷۵۰ میلیون دلار عرض از کشور خارج شده است.

حال اگر ۳۰۰ درصد سود خالص این واردات را نسبت به هزینه خرید آن (۷۵۰ میلیون دلار) در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که چه سود عظیمی در این واردات نهفته است. سودی که آن چنان به مذاق واردکنندگان و حامیان آنها در ارکان حکومتی خوش آمده که در جهت حفظ و افزایش آن دست به هر اقدامی می‌زنند.

آیا کسی می‌داند برنج‌های آلوده با چه بهائی خریداری و وارد شده است؟ از چند ماه پیشتر در سطح جامعه حرفهای زیادی - که بی پایه هم نبود - در باب آلودگی برخی انواع برنج‌های وارداتی به مواد سمی به گوش می‌خورد. اما مسئولین مطابق رویه همیشگی تا زمانی که فشار سنگین افکار عمومی را برگرده حس نکردند، هیچ واکنشی نشان ندادند. تا سرانجام اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی تهران اعلام نمود که ۱۳ نوع برنج وارداتی به نام های "آریا"، "خاطره"، "۱۸۱"، "مینویک"، "پاندا"، "محسن"، "مهاکلاسیک"، "آفرین"، "مژده"، "کریستال"، "جادوگر"، "کمال ملکی" و "طوبی ملکی" با استاندارد های بین‌المللی و داخلی مغایرت داشته و شهروندان باید از مصرف آنها خودداری کنند.

اعلام آلودگی برخی انواع برنج‌های وارداتی از سوی یک موسسه مرجع اگر چه به خودی خود قدم مثبتی ارزیابی می‌شد اما اعلام همین مقدار هم واکنش‌های متفاوتی را در بین مسولان به وجود آورد. محمد رضا نادری معاون امور گمرکی ایران اعلام کرد: "حتی یک کیلو گرم برنج بدون گواهی موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، وزارت بهداشت و سازمان حفظ نباتات از گمرک ترخیص نشده است" (روزنامه مردم سالاری- ۳۱/۶/۱۳۸۸). سپس رئیس موسسه تحقیقات برنج ایران گفت: "هر چند اعلام برخی خصوصیات برنج‌های وارداتی منجر به پیگیری‌های دیگر و اثبات وجود برخی فلزات سنگین از جمله آرسنیک و سرب شد، اما محققان این موسسه همچنان در تلاش برای دست یافتن سایر ترکیبات این برنج‌ها هستند. وی همچنین گفت برای

نخستین بار محققان موسسه تحقیقات برنج کشور به ویسکوز نشدن یا له نشدن برنج وارداتی در دمای بالا مشکوک شدند و بررسی‌ها نشان داد که ۱۳ نوع برنج وارداتی حاوی برخی فلزات سنگین از جمله آرسنیک و سرب تشخیص داده شد که مسولان ادعا کردند این برنج‌ها به صورت قاچاق وارد کشور شده است (سایت وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۸/۷/۲-).

از سویی " بهار واج" رئیس مرکز تحقیقات کشاورزی پنجاب هند نیز در واکنش به محدودیت واردات برنج ایران به دلیل آلودگی آن به سام آرسنیک اذعان کرد که مناطق زیادی از اراضی پنجاب، مرکز اصلی آرسنیک، کادمیم و سایر فلزات است و اگر در این مناطق کشت و زرع صورت گیرد، بی شک محصولات تولیدی شامل این ترکیبات سمی خواهد بود (سایت تابناک). اما در حالی که دستگاه‌های اجرائی ذیربط عمدتاً در حال انداختن توپ به زمین یکدیگر و یا انکار واقعیت بودند. در مجلس شورای اسلامی کسانی که می‌بایست از منافع مردم دفاع کنند، هیچ واکنش خاصی نسبت به این موضوع نشان ندادند به طوری که شهباز حسن زده عضو کمیسیون اقتصادی مجلس هر گونه اظهار نظر در رابطه با واردات برنج غیر استاندارد به کشور را منوط به نظر وزارت بهداشت دانسته و تصریح می‌کند که هنوز اظهار نظر از سوی وزارت بهداشت در رابطه با غیر استاندارد بودن برنج‌های وارداتی صورت نگرفته و کمیسیون اقتصادی پس از بررسی توسط این وزارتخانه و تائید موضوع با مسولان و وارد کنندگان و افرادی که در واردات نقش داشته اند برخورد می‌کند (سایت برنا نیوز - ۱۳۸۸/۶/۳۱).

در حالی که مجلس منفعل اقدام خود را موکول به نتیجه بررسی وزارت بهداشت و تائید موضوع توسط آنان کرده و در حالی که منابع داخلی و خارجی بر آلودگی برنج‌های وارداتی صحنه گذشته بودند، وزیر جدید بهداشت حکومت جمهوری اسلامی قبل از نهایی شدن آزمایش‌ها در وزارت بهداشت اعلام کرد تمامی برنج‌های مارک دار وارداتی و سوسیس و کالباس موجود در بازار سالم و بهداشتی اند و هیچ مشکلی ندارد (روزنامه خراسان - ۱۳۸۸/۷/۲). یعنی ایشان به طور کلی منکر مدرک موجود و مستندات ارایه شده گردید!!

این در حالی است که وزارت بهداشت خود از نهادهای مسئول به شمار می‌رود و وظیفه تامین و سلامتی مردم به عهده این دستگاه می‌باشد که متأسفانه نه تنها در جای خود از ورود برنج‌های آلوده جلوگیری نکرده، بلکه اینک که رسوایی موضوع هم بالا گرفته، بالاترین مقام وزارتخانه با بیشرمی آلودگی برنج‌های وارداتی را انکار می‌کند. البته این رفتار خیلی هم عجیب نیست، چه اینان نمایندگان مردم نیستند که مصلحت آنان را مورد توجه قرار دهند، بلکه عوامل نهادها و جریانهای قدرت در حکومت هستند که بایستی منافع اربابان خود را تامین کنند. به تدریج تکذیب و انکار گسترش می‌یابد و از جمله رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی که اعضای آن در زمره عمده‌ترین وارد کنندگان برنج هستند می‌گوید که تا کنون هیچ موردی مبنی بر آلوده بودن برنج‌های وارداتی از مبادی رسمی از سوی مراجع ذیربط اعلام نشده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۸۸/۷/۱-).

چند روز دیگر ، سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی کشور که بیشتر پذیرفته بود ۱۳ نوع برنج وارداتی غیر استاندارد و غیر قابل مصرف هستند و شهروندان باید از مصرف آنها خودداری کنند ، اطلاعیه‌ای به شرح زیر روی سایت خود قرار می‌دهد : " انواع برنج‌های وارداتی از لحاظ استاندارد اجباری تحت کنترل و نظارت بوده و جای هیچ نگرانی برای مصرف کنندگان نیست " (سایت سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران ۵/۷/۱۳۸۸-). اما برنج‌های آلوده وارداتی به فراوانی در بازار مصرف وجود دارد .

برای جمعی آوری این برنج‌ها و چاره اندیشی جهت جلوگیری از ورود مجدد آنها در آینده چه باید کرد ؟ افراد و دستگاه‌های مقصر که باید پاسخگو باشند کدامند ؟ چرا به طور دقیق به مردم معرفی نمی‌شوند؟ دستگاه قضایی که ابزار دست ظالمین و جنایتکاران است ، در این باره چه اقدامی انجام داده است؟

به نظر می‌رسد که دستوراتی از بالا برای خارج کردن نظام از زیر ضربه رسیده است . چرا که مجلس هم در این مورد فقط زمان را کش می‌دهد و نشان می‌دهد که جان و سلامتی مردم ایران کوچکترین اهمیتی برایش ندارد . زیرا در روز ۶ مهر ماه اعلام می‌کند که در باره جمعی آوری برنج‌های آلوده از بازار ، هفته آینده تصمیم می‌گیرد(روزنامه خراسان- ۷/۷/۱۳۸۸)

در مورد آن چه با مصرف برنج‌های آلوده بر سر مردم می‌آید ، اظهارات یک کارشناس تغذیه را با هم می‌خوانیم : " برنج های آلوده به فلزات سنگین وضعیت گردش خون انسان را با اختلالات شدیدی مواجه می کند . مضرات مصرف آرسنیک نیز بر کسی پوشیده نیست و مسمومیت‌های شدید و در نهایت مرگ برای استفاده کنندگان از برنج‌های آلوده به آرسنیک حتمی است " (سایت سلامت نیوز - ۴/۷/۱۳۸۸).

مشخص نیست چه تعداد از مردم بیگناه با مصرف برنج‌های آلوده مسموم شده و یا در گذشته اند ؟ متأسفانه در کشاکش این بحران، مشتی فرصت تالاب و سودجو در داخل اقدام به افزایش قیمت برنج‌های تولید داخل همچون برنج هاشمی و صدری نمودند(روزنامه آسیا ۶/۷/۱۳۸۸-). که نتیجه آن معضل دیگری برای مردم مظلوم کشور می‌باشد .

تردیدی نیست که همچون بسیاری از رخدادها در حکومت ظلم و فساد ، این بار هم در انتها حد اکثر یک یا چند کارمند دون پایه به عنوان مسبب یا مسببین این رسوایی شناخته می‌شوند. جیب‌های مشتی دزد و جنایتکار انباشته تر از قبل می‌شود و بازنده بزرگ، مردم شریف و بیگناهی هستند که جان و سلامتی خود را باخته اند.